

شناسایی و ارزیابی فرآیند شکل‌گیری هویت در شهرهای جدید (مطالعه موردی: شهر جدید هشتگرد)*

دکتر محمد مهدی عزیزی**^۱، مهندس پارسا ارباب^۲

^۱ استاد دانشکده شهرسازی، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، تهران، ایران.
^۲ دانشجوی دکتری شهرسازی، دانشکده شهرسازی، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، تهران، ایران.
(تاریخ دریافت مقاله: ۸۹/۱/۱۷، تاریخ پذیرش نهایی: ۸۹/۴/۲۳)

چکیده:

مقاله حاضر به شناسایی و ارزیابی فرآیند شکل‌گیری هویت در شهرهای جدید می‌پردازد. فرآیند شکل‌گیری هویت شهر و به تبع آن شهر جدید، در قالب تعامل مداوم محیط و اجتماع در گذر زمان پی‌ریزی شده و قابل شناسایی است. بررسی‌های انجام شده حاکی از آن است که این فرآیند، علاوه بر اینکه با ابعادی نظیر خوانایی و تشخیص، احساس تعلق و وابستگی، خاطره‌انگیزی و تعاملات اجتماعی مرتبط بوده و از آنها متأثر است، با مدت زمان سکونت و رضایت مندی از سکونت نیز، به ویژه در ارتباط با شهرهای جدید، دارای ارتباط معنادار است. نتایج تحقیق نشان دهنده آن است که با افزایش مدت زمان سکونت در شهر جدید هشتگرد، هویت شهر نیز ارتقاء می‌یابد. این در حالی است که با افزایش میزان رضایت مندی از سکونت نیز، هویت از نظر ساکنان وضعیت مناسب‌تری را به خود اختصاص می‌دهد. مطالعات پژوهش‌بیانگر آن است که هویت شهر جدید هشتگرد، که از آغاز ساخت و ساز و اسکان در آن بیش از ۱۵ سال می‌گذرد، در وضعیت میان‌ضعیف (بد) و متوسط قرار دارد. در این میان، فاز اول شهر از این نظر، با وضعیت نزدیک به متوسط، دارای شرایط بهتری نسبت به فاز دوم و فاز سوم می‌باشد.

واژه‌های کلیدی:

فرآیند شکل‌گیری هویت، محیط، اجتماع، زمان، رضایت مندی، شهر جدید هشتگرد.

* این مقاله برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی ارشد نویسنده دوم به راهنمایی نویسنده اول با عنوان "فرآیند شکل‌گیری هویت در شهرهای جدید: ارائه راهکارهایی برای هویت بخشی (مطالعه موردی: شهر جدید هشتگرد)" می‌باشد که در سال ۱۳۸۸ در دانشکده شهرسازی پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران انجام شده است. در این زمینه از نظرات ارزنده جناب آقای دکتر اسفندیار زبردست، به ویژه در ابعاد کمی تحقیق، تشکر و قدردانی می‌گردد.

** نویسنده مسئول: تلفن: ۰۲۱-۶۶۴۶۲۱۳۴، نمابر: ۰۲۱-۶۶۹۶۲۵۹۱، E-mail: mmazizi@ut.ac.ir

مقدمه

ارتباط با این نوشهرها مطرح می شود، پرسش درباره هویت، این خصیصه مهم شهری و احساس تعلق به مکان است. پیرو این موضوع مسائل ذیل در قالب چهار پرسش، مطرح هستند که ساختار و جهت گیری این پژوهش را نیز شکل می دهند:

- ۱) فرآیند شکل گیری هویت چگونه است و تاکنون چه معیارهایی در این زمینه و برای ارزیابی و سنجش این مفهوم وجود دارد؟
- ۲) فارغ از معیارهای شناسایی شده (از طریق مبانی نظری و ادبیات مرتبط با موضوع)، چه معیارهای دیگری را می توان در این زمینه و در ارتباط با فرآیند شکل گیری هویت در شهرهای جدید مورد شناسایی قرار داد؟
- ۳) وضعیت هویت شهر جدید هشنگرد چگونه است و آیا بین فازهای مختلف آن (فازهای یک، دو و سه) تفاوتی وجود دارد؟
- ۴) چه راهکارهایی برای تقویت و ارتقاء هویت در شهرهای جدید (هم چنین شهر جدید هشنگرد) می توان ارائه نمود؟

موضوع محیط ساخته شده به عنوان یک حوزه ارتباطی قوی، شامل معانی و پیام هایی است که افراد براساس نقش ها، ترجیحات، انگیزه ها و سایر عوامل، آن را رمزگشایی و درک می کنند. این مفهوم که منتج از ابعاد "ادراکی"^۱ و "تداعی کننده"^۲ محیط (به عنوان ظرف) می باشد^۳، عامل مهمی در هماهنگی فرد با آن بوده، به احساس وابستگی و در نهایت تعلق منجر می شود که با ایجاد و حفظ روایتی پیوسته و مشخص از زندگی در نزد ساکن (به عنوان مظلوف) نیز در ارتباط است. ایجاد شهرهای جدید پس از انقلاب به عنوان توسعه های از پیش برنامه ریزی شده و با هدف تعادل بخشی به نظام سکونتی، به یقین یکی از بزرگ ترین و با اهمیت ترین سیاست هایی است که در زمینه شهرسازی کشور اتخاذ شده است. این در حالی است که فرآیند فوق الذکر در ارتباط با شهرهای جدید و محیط های ارائه شده در آنها، به موضوع و مساله ای اساسی تبدیل شده و ابهاماتی جدی را پیش روی قرار می دهد. یکی از جدی ترین مسائلی که در

۱- معنا و مفهوم هویت

نمایانگر میزان اهمیت استقلال آن به عنوان عینیتی حاوی پیام است. بر این اساس، زمانی محیط برای انسان واجد هویت خواهد بود که بتواند آن را به عنوان موجودی مستقل و عینی تلقی کرده و از طرف دیگر خود نیز به عنوان موجودی عینی در آن فعالیت و رفتار نماید و سرانجام قادر باشد ذهنیات ناشی از ادراک آن را با ذهنیات خویش تطبیق دهد (پاکزاد، ۱۳۸۵، ۱۰۴-۱۰۰).

"گیدنز" در یکی از آخرین نقطه نظرهای جامعه شناسانه و روانشناسانه خود، معتقد است، هویت (مکان) در واقع همان چیزی است که فرد، چنان که در اصطلاح "خودآگاهی"^۵ آمده است، به آن آگاهی دارد، مفهومی که به معنای تداوم فرد در زمان و مکان می باشد (گیدنز، ۱۳۸۷، ۸۲-۸۱). "رلف" که می توان وی را پدیدارشناس به حساب آورد، معتقد است در "پدیدارشناسی مکان"^۶، تجربه، اصلی ترین رکن در ادراک است. در تجربه مکان، انسان با خیلی از افراد هم احساس می شود و این هم احساسی، که در واقع حضور فیزیکی شخص در مکان و تجربه ناخودآگاه است، حس مکان نامیده می شود. از نظر رلف، عمیق ترین وابستگی به مکان به صورت ناخودآگاه به وجود می آید و طی آن انس و آشنایی با مکان از بخش هوشیار آگاهی محو می شود. رلف این وابستگی را ریشه داری می نامد. او هفت درجه از بیرونیت و درونیت را برای حس مکان بیان می کند که شامل طیف وسیعی از خود بیگانگی و بی خانمانی تا تعلق به مکان و هویت عمیق و کامل را شامل می شود

مفهوم هویت در ارتباط با شهر و شهرسازی، موضوعی است که همواره اندیشمندان متعددی به ارائه نظریاتی در رابطه با آن پرداخته اند. با توجه به ماهیت موضوع، واضح است که در این میان، سهم کسانی که خصوصاً حیطه های اجتماعی و روان شناسی محیطی را مورد توجه قرار داده اند، بیشتر است. راز و رمز و پیام هایی مبنی بر تاثیر متقابل محیط یا فضای ساخته شده (مکان) بر ذهنیات و رفتار انسان، همان مفهومی است که از آن در پژوهش های مختلف تحت عنوان "هویت"^۴ و سایر زمینه های معنایی و محتوایی مرتبط نظیر "این همانی"^۵، "تشخص"^۶، "معنا"^۷، "حس مکان"^۸، "احساس تعلق"^۹، "ریشه داری"^{۱۰} و...، یاد می شود. معنا و مفهوم واژه هویت جدای از "ذات باری تعالی" به "هستی و وجود"، "عامل شناسایی، ماهیت و مراد تشخیص" اشاره دارد (معین، ۱۳۷۱، ۵۲۲۸). اگر به واژه متناظر "Identity"^{۱۱} نگاه شود، از آنچه که کسی یا چیزی هست: ماهیت و "همان بودن، درگیر بودن و یکی شدن با چیزی یا بخشی از آن" یاد می شود. (Hornby, 1995, 589) برخی معتقدند، همانطور که از اصطلاح "تشخیص هویت"^{۱۲} بر می آید، منظور، فرآیند مقایسه بین "عینیتی"^{۱۳} موجود با اطلاعات و داده هایی از آن در حافظه ("ذهنیت"^{۱۴}) است. انسان غالباً با محیط به صورت فعالانه برخورد کرده و همراه با آن در داد و ستد اطلاعات است. نقش انسان به عنوان یک گیرنده، و محیط به عنوان یک فرستنده،

۲- دیدگاه‌ها و نظریه‌ها در رابطه با هویت شهرهای جدید

پس از بازنمایی معانی و مفاهیم هویت و به دنبال آن گزیده‌ای از دیدگاه‌ها و نظریه‌ها در باب هویت محیط، مکان و شهر، در اینجا سعی بر آن است تا به هویت شهرهای جدید و چگونگی شکل‌گیری آن پرداخته شود. این بخش برگرفته از دیدگاه‌ها و نظریه‌های منتج از پژوهش‌هایی است که تاکنون در زمینه مفهوم هویت در ارتباط با شهرهای جدید انجام شده و در حوزه تحقیق حاضر، مورد شناسایی قرار گرفته‌اند. آنچه که مدنظر است بحثی پیوسته و سلسله‌وار است که به نوعی با طرح مساله آغاز شده و به دنبال آن در قالب مباحثی مرتبط پیش می‌رود.

"حبیبی" معتقد است، گذاری بر اندیشه‌های شکل‌دهنده شهرهای جدید و گذری بر تجارب ناشی از آنها - چه در مقیاس جهانی و چه در مقیاس ایرانی، نشان می‌دهد تا چه اندازه، آن اندیشه‌ها و این تجربه‌ها، از توجه به خاطره سازی شهری و فضاهای شهری خاطره‌ای غافل بوده و تا چه اندازه از این مطلب که شهر خاطره را می‌سازد و خاطره به شهر شکل می‌بخشد، دور بوده‌اند. این امر سبب گردید تا در بسیاری موارد، این تجارب مثالی بارز از شکست اندیشه نوگرایانه درباره تولید شهر باشند. هنوز "چاندیگر" نتوانسته است در خاطره شهروند پنجابی قرار گیرد، همان‌طور که "اسلام آباد" نیز کماکان به عنوان شهری حکومتی، بی‌هیچ خاطره و خاطره سازی باقی مانده است، و هستند مثال‌های فراوانی از این دست. زمان می‌تواند بهترین و مهم‌ترین عامل برای تکمیل یک شهر و تحقق اهداف آن باشد. در شهر جدید، فرد بیش از آنکه شهروند باشد، ساکن شهر است. او که به گونه‌ای ارادی یا غیر ارادی، از سر میل یا از روی اجبار، سکونت در شهر جدید را اختیار کرده است. او در مکانی ساکن شده است که هیچ خاطره‌ای را از قبل آن در ذهن ندارد، شهر خود نیز خاطره‌ای از خود به یاد ندارد، چون در جایی استقرار یافته است که قبل از او فضایی بوده است باز و گسترده در دامن طبیعت بکر. این فضا با استقرار شهر به مکان تبدیل شده است، مکانی بی‌خاطره قبلی، بی‌آوازه قبلی و بی‌هویت قبلی. بنابراین، هم شهر و هم ساکن شهر هر دو در پی یک مقصود روان می‌شوند، اولین در پی اعلام هویت مکانی و دومین در پی اعلام هویت شهروندی، دو امر متقابل که یکی بی‌دیگری ناممکن است و در این امر متقابل است که هم شهر در حافظه شهروندان می‌نشیند و هم شهروند مکانی باز را می‌شناسد که مهر و نشانه خود را بر آن زده، آن را از آن خود کرده است و از آن خاطره‌ها در ذهن دارد. این، ممکن نخواهد بود مگر اینکه شهر و شهروند نسلی را تجربه کنند و این نسل، شهر را تجربه کرده باشد (حبیبی، ۱۳۸۵، ۱۴۷-۱۴۵).

دست اندرکاران توسعه در منظومه‌های شهری جدید در

(Relph, 1976، به نقل از فلاحت، ۱۳۸۵، ۵۹-۵۸).

"الکساندر" هویت را تجسم کیفیتی بی‌نام می‌داند که مبنای اصلی حیات و روح هر انسان، شهر، بنا یا طبیعت است، اما نمی‌توان نامی بر آن گذاشت. از نظر وی، برای تعریف این کیفیت در بناها و شهرها، باید کار را با درک این مطلب شروع کرد که هویت هر فضا از تکرار مستمر الگوهای خاص از رویدادها در آن مکان، حاصل می‌شود. الگوی رویدادها همواره با الگوهای صورتی خاصی در فضا، پیوندی ناگسستنی دارند. روند تشخیص فضا از نوع افزودنی نیست که در آن اجزایی از پیش شکل یافته در کنار هم قرار گیرند و کلی بیافرینند، بلکه از نوع تحول و دگردیسی جنین است که در آن، کل بر اجزا مقدم است و اجزای خود را مرحله به مرحله به وجود می‌آورد. همین‌طور که کل شکل می‌گیرد، هویتی جاودانه می‌گیرد که آن را شایسته نام هویت جاودانه می‌کند (الکساندر، ۱۳۸۶، فهرست تفصیلی کتاب). در این میان، شاید یکی از کسانی که مشخص‌ترین تعریف را در رابطه با هویت در شهر و فضاهای آن مطرح می‌کند و در این زمینه هم به عنوان پدیدارشناس و هم شهرساز صاحب نظر است، "لینچ" باشد. از نظر وی، ساده‌ترین شکل معنا، هویت است یعنی معنای یک محل. هویت، یعنی حدی که شخص می‌تواند یک مکان را به عنوان مکان متمایزی از سایر مکان‌ها شناخته و یا بازشناسی نماید، به طوری که شخصیتی مشخص، بی‌ظنیر و یا حداقل مخصوص به خود را دارا شود. هویت مکانی، پیوند نزدیکی با هویت شخصی پیدا می‌کند، زیرا مکان‌های معنادار و قابل درک، تکیه‌گاه مناسبی است که خاطرات شخصی، احساس‌ها و ارزش‌ها بر آن تکیه می‌کند. لینچ معتقد است عوامل متعددی در معنا و هویت بخشیدن به یک مکان موثر و دخیل هستند که در میان آن‌ها می‌توان به شناخت و آشنایی زیاد که منجر به ایجاد حس مکان می‌شود، رویدادها و وقایع که سبب خاطره‌انگیز شدن فضای شهری می‌شوند و ساختار به مفهوم چگونگی ارتباط و ترکیب عناصر و اجزا با یکدیگر در سطح کل و ... اشاره نمود (لینچ، ۱۳۸۱، ۱۷۰-۱۶۸).

در جمع‌بندی نظریات اشاره شده در باب معنا و مفهوم هویت، می‌توان گفت که هویت، عامل تشخیص و تمایز محیط و در واقع تبدیل شدن آن به مکان و یا محلی خاص است. هویت شهر، عینیتی است توأم با ذهنیت: عینیت از آن نظر که بخشی از هویت وابسته به یک سری عناصر و نمایه‌های بیرونی و ظاهری است که دیده می‌شوند و ذهنیت از آن سو که بخشی از هویت در ذهن ساکنان شکل گرفته و در خاطره، احساس، تداعی‌ها و ارزش‌ها متبلور می‌شود. هویت، محصول روابط اجتماعی مستقر و متبلور در مکان است، اما تابع عوامل و عناصر ظاهری و سیمایی آن نیز می‌باشد. بنابراین، این مفهوم همواره به دو بعد مهم اشاره دارد، نخست بعد عینی و ملموس هویت، و دوم، برداشت، ادراک و تصویر هویت مفروض، که ذهنی و انتزاعی است.

ملال‌انگیز و یکنواخت می‌یابند. گرچه توضیحات مذکور نشان می‌دهند که این تصویر، تصویری کهنه و از رده خارج است، اما هنوز هم می‌توان چنین تصاویری را در دنیای خارج مشاهده کرد (کولبرگ، ۱۳۸۵، ۳۹۶).

"چپ من" می‌گوید در بسیاری از شهرهای جدید، ایجاد تسهیلات اجتماعی، گذران اوقات فراغت و تفریح، زمانی طولانی بعد از ساخت خانه‌ها آغاز می‌گردد و این در ایجاد حس بیگانگی در میان مردم محل تاثیر می‌گذارد. وی با اشاره به اینکه شهرهای جدید، گاهی به دلیل یکنواختی و سادگی طرح آنها مورد نقد قرار می‌گیرند، معتقد است مکان‌ها می‌توانند توسط استفاده‌کنندگان تسخیر یا تصرف شوند. آنها تجارب فضایی بسیار متنوعی را فراهم آورده و به منطقه هویت می‌بخشند. تاریخ یک مکان به متحول شدن ادامه می‌دهد: خصوصیات، کیفیات و فعالیت‌های یک مکان هر روز و یا حتی هر ساعت در حال تغییرند. چپ من اعتقاد دارد در عرضه پیشنهادهای برای ساکنان در هر مکان، لازم است طیف وسیعی از تجربیات که برای رویارویی و پاسخگویی ضروری است، در نظر گرفته شود تا آنها قادر به دستیابی به شرایط مناسب برای تامین نیازهایشان باشند. هنگامی که توسعه اتفاق می‌افتد، ویژگی‌های مکان و گسترده‌تر از آن، محیطی که توسعه در آن اتفاق افتاده است، تغییر می‌کند. دامنه وسیع فرصت‌ها برای تعامل و کنش با محیط می‌تواند آن را برای نیازهای مردمی که از آن استفاده می‌کنند، مناسب‌تر سازد و بنابراین، توانایی محیط را برای رویارویی با نیازهای مختلف افزایش دهد (چپ من، ۱۳۸۴، ۱۳۱ و ۱۹۲ و ۲۶۲-۲۶۱).

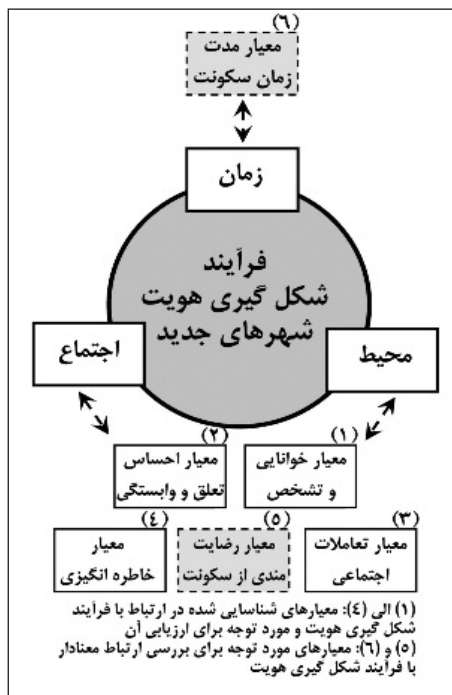
در مطالعات "موسسه شهرهای جدید اروپایی"^{۱۸} بیان می‌شود که شهر جدید مانند یک کودک است، باید به آن فرصت داد تا به صورت طبیعی رشد کند. دست‌اندرکاران ساخت شهرهای جدید در ابتدا امکاناتی را برای زیستن در شهر مهیا می‌کنند، اما این مردم هستند که نقش نهایی را ایفا می‌کنند و موجب رشد و گسترش شهر می‌شوند. ساکنان به دلیلی نیاز دارند تا تعلق و وفاداری خود را به مکانی خاص از دست ندهند. شهرهای جدید آمالی را عرضه می‌کنند که مردم بتوانند هم به طور انفرادی و هم جمعی، چشم‌انداز آینده‌ای بهتر را داشته باشند. شهر الزاما باید تغییر و تحول داشته باشد، این تغییر و تحول ضروری است تا بر تصور و فکر مردم استوار باشد. فضاهای عمومی نیز باید به حساب آورده شوند، طرح‌های شهرهای جدید باید تا آنجا که امکان دارد، مکان‌هایی را برای ارتباطات اجتماعی به وجود آورند. شهرهای جدید احتیاج دارند که کیفیت را برای ساکنان خود بهبود بخشند. یک راه حل این خواهد بود تا به مردم اجازه داده شود در همکاری‌های محلی شرکت کنند. نگرش‌های محلی و تعاملی راه‌حلهایی را پیش روی می‌گذارند که بتوان تقاضا و احتیاجات ساکنان شهرهای جدید را متبلور ساخته و به نحو مناسبی پاسخ داد (موسسه شهرهای جدید اروپایی، ۱۳۸۲، ۷۰-۵۹).

بر مبنای آنچه اشاره شد، در ارتباط با فرآیند شکل‌گیری هویت

فرانسه، فعالیت‌های خود را بر مبنای اصولی قرار داده‌اند که بخشی از آن در ارتباط با بحث و موضوع پی‌ریزی تعامل اجتماع و محیط در گذر زمان و از آن‌ره شکل‌گیری هویت در شهر جدید، بر این موضوع تاکید دارد که در مطالعات طرح‌ریزی شهری باید این واقعیت گنجانده شود که ساخت شهرهای جدید به زمان نیاز دارد. این همه انتظار برای اینکه شهر شکل بگیرد، غیر ممکن است. با این حال نخستین ساکنان را نمی‌توان در بیابان با این دلخوشی که نارضایتی مراحل اولیه را می‌توان با وعده‌های دور و دراز جبران نمود، جای داد. بالاتر از همه این است که شهر جدید، موجودی است زنده که باید همه عناصر کارکردی لازم برای حفظ تعادل و رشد را در خود داشته باشد. هریک از عناصر کارکردی آن باید تا حد امکان چندمنظوره بوده و این چندمنظورگی از همان آغاز محقق شود، زیرا تصویری که پس از زندگی در شهرهای جدید در ذهن عموم جای می‌گیرد، تصویری است که بعدها تغییر دادن و اصلاح نمودن آن دشوار خواهد بود. کنار هم چیدن عناصر کارکردی گوناگون در شهر کافی نیست، برای آنکه نظام پویای ویژه شهرها شکل بگیرد، باید این کارکردها بتوانند با هم تعامل داشته باشند (میشل و وارنیه، ۱۳۸۳، ۲۵-۲۳). از یک سو، میزان جذب جمعیت در نوشهرها با باور مردم، نحوه استقبال متقاضیان و درجه مطلوبیت خدمات شهری و به نحوی پیشرفت کار شهرهای جدید ارتباط دارد (نوری کرمانی، ۱۳۷۴، ۵۱). از سوی دیگر، برای شهرهای جدید، تنها جذب جمعیت کافی نیست، بلکه حفظ ساکنان در این شهرها از اهمیت فراوانی برخوردار است. در این میان، قصد و تمایل ماندگاری در شهر و میزان احساس رضایت از آمدن به این شهرها از شاخص‌های مهمی به شمار می‌رود (رئیس‌دانا، ۱۳۷۱، ۳۰۳).

"کولبرگ"^{۱۷} معتقد است، وجود ساکنانی که با محیط پیرامون خود هم‌ذات‌پنداری کنند، برای ایجاد شور جمعی و فراهم ساختن حمایت عمومی برای فعالیت‌ها، سرمایه‌گذاری‌ها و ساخت و سازهای جدید، اهمیت زیادی دارد. با این حال، اغلب ساکنان نسل اول شهرهای جدید، به دلایل منطقی در این شهرها استقرار یافته‌اند و نه دلایل احساسی. اغلب آنان بیشتر با خانه و کاشانه یا موطن خود هم‌ذات‌پنداری می‌کنند و نه با محله‌ها و شهر خویش. تغییرات در چهره اجتماعی شهرهای جدید، از جمله ظهور نسل دوم در آنها، فرصت‌های خوبی را فراهم می‌سازند. این در حالی است که شکل‌گیری شهرهای جدید تنها در سایه تفکری صرفاً کارکردی دربار برنامه‌ریزی و طراحی نیز، شکل‌گیری احساس هویت در شهروندان را دشوارتر می‌سازد. به استثنای مواردی ناچیز و معدود، در طراحی این شهرها تداعی شخصیت یا احساس منحصر به فرد در ذهن ناظران و ساکنان چندان مورد توجه نبوده و سیمای نامناسب و نامطلوب شهرهای جدید در خلأ هویتی، مزید بر علت شده است. کسانی که با این شهرها آشنایی ندارند و برای نخستین بار با آنها مواجه می‌شوند، این شهرها را مکان‌هایی بین‌راهی، خسته‌کننده،

در اینجا و بر اساس مطالعات انجام شده، شش معیار در ارتباط با فرآیند شکل‌گیری هویت در شهرهای جدید مورد توجه قرار می‌گیرد که ارتباط آنها در نمودار ۱ نشان داده شده است.



نمودار ۱- فرآیند شکل‌گیری هویت در شهرهای جدید و معیارهای مرتبط با آن.
ماخذ: (پردانش‌های پژوهش)

در این میان، سنجش و ارزیابی هویت هر فاز و در مجموع کل شهر، از طریق وزن دهی به امتیازات معیارهای چهارگانه "خوانایی و قابلیت تشخیص"^{۱۹}، "تعاملات اجتماعی"^{۲۰}، "خاطره‌انگیزی"^{۲۱} و "احساس تعلق و وابستگی"^{۲۲} به وسیله "فرآیند تحلیل سلسله‌مراتبی"^{۲۳} صورت می‌گیرد. نمودار (۲) ساختار سلسله‌مراتبی مربوط به آن را نشان می‌دهد. دو معیار دیگر، شامل "مدت زمان سکونت"^{۲۴} و "رضایت مندی از سکونت"^{۲۵} نیز به عنوان معیارهایی که به نظر می‌رسد دارای ارتباط معنادار با هویت هستند، مورد توجه می‌باشند. برای سنجش امتیاز هر معیار از نقطه نظر ساکنان که ابعادی عمدتاً کیفی را دارا می‌باشند، سوالاتی در پرسش‌نامه بر مبنای طیف پنج‌قسمتی "لیکرت"^{۲۶} (۱: خیلی ضعیف، ۲: ضعیف، ۳: متوسط، ۴: خوب و ۵: خیلی خوب) طراحی گردید تا از این طریق، مفهوم هویت به صورتی ملموس‌تر مورد سنجش قرار گیرد. پرسش‌نامه تهیه شده از هفت بخش (الف تا ی) تشکیل شده است، فارغ از بخش (الف) (برای بررسی مشخصات پرسش‌شونده و از جمله معیار "مدت زمان سکونت") و (ی) (به عنوان بخش تکمیلی شامل مسایل و مشکلات شهر از نظر ساکنان)، بخش (ب) با هفت سوال مربوط به معیار "خوانایی و قابلیت تشخیص" بوده و بخش (ج) با پنج سوال، معیار "احساس تعلق و وابستگی" را مد نظر دارد. بخش (د) با شش سوال به معیار "تعاملات اجتماعی"، بخش (ه) با نه سوال به معیار "رضایت مندی از سکونت" و بخش (و) نیز با

در شهرهای جدید، ضروری است خاطره‌سازی در گذر زمان و ناشی از ظهور نسل‌های جدید مورد تاکید قرار گیرد. باید از تصورات کهنه در رابطه با شهرهای جدید فاصله گرفت و به آنها فرصت داد، هویت شهرهای جدید در بستر زمان و با شکل‌گیری عناصر کارکردی چندمنظوره محقق خواهد شد که بر احساس ساکنان موثر بوده، ارتقاء رضایت مندی و تداوم حضور آنان را در پی دارد. این در حالی است که تفکر ساده‌انگارانه و صرفاً کارکردی در زمینه برنامه‌ریزی و طراحی شهرهای جدید و وقفه در ایجاد تسهیلات اجتماعی، فرآیند شکل‌گیری هویت را با مشکل مواجه می‌سازد. توجه به عرصه‌های عمومی و ارتباطات اجتماعی، ایجاد دامنه وسیع فرصت‌ها برای تعامل و کنش با محیط و نیز بهره‌گیری از نگرش‌های محلی در این زمینه راهگشا خواهد بود.

۳- چارچوب نظری و روش تحقیق

مطالعه، بررسی و سنتز معانی، مفاهیم، دیدگاه‌ها و نظریه‌های مطرح در زمینه هویت محیط، مکان و شهر، و هم‌چنین چگونگی نگرش به این مقوله و فرآیند شکل‌گیری آن در ارتباط با شهرهای جدید، حاکی از آن است که هویت، حاصل تعامل و کنش متقابل محیط و اجتماع در بستر زمان است. این مفهوم از یک سو متأثر از زمینه‌های عینی و ظاهری محیط، نظیر کالبد، طرح، منظر و... است، و از سوی دیگر، ریشه در تجربه‌های ذهنی هم‌چون خاطره، تاریخ و فرهنگ اجتماع دارد. بدین معنا، هویت مقوله‌ای از پیش تعیین شده نیست، بلکه از تعامل انسان با مکان زندگی و تبلور و تجربه آن در بستر زمان ایجاد می‌شود. فرآیند پیشنهادی مذکور، عوامل موثر بر هویت و چگونگی شکل‌گیری آن را توضیح می‌دهد. اما آنچه ضروری است در ارتباط با چارچوب نظری این پژوهش تدوین شود، چگونگی بکارگیری این فرآیند در خصوص مطالعه موردی (شهر جدید هشتگرد) است. این پژوهش با چهار فرضیه زیر که حاصل پالایش، اصلاح، تدقیق توأمان با انجام مطالعات می‌باشند، روبرو است:

۱. براساس معیارهای مربوط به فرآیند شکل‌گیری هویت (قابل استناد از مبانی نظری و ادبیات مرتبط با موضوع)، به نظر می‌رسد هویت شهر جدید هشتگرد (احساس هویت از سوی ساکنان) ایده‌آل نیست.
۲. با وجود فرضیه نخست در رابطه با هویت شهر جدید هشتگرد، به نظر می‌رسد وضعیت فازهای یک، دو و سه این شهر، با یکدیگر متفاوت است.
۳. میان هویت و مدت سکونت رابطه معنادار وجود دارد و این رابطه مثبت است. به عبارتی، شکل‌گیری هویت و ارتقاء آن، نیازمند زمان و فرصت است.
۴. میان هویت و رضایت مندی از سکونت نیز رابطه معنادار مثبت برقرار است. به عبارتی، با افزایش میزان رضایت مندی، هویت نیز افزایش خواهد یافت.

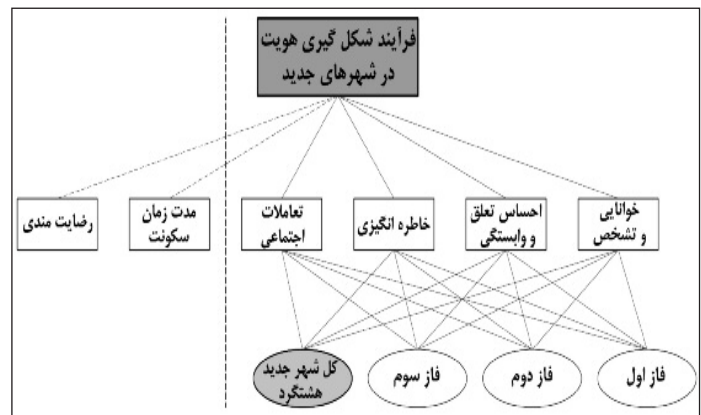
این راستا و در ارتباط با فرضیه دوم، و بررسی وجود تفاوت معنادار میان هویت فازهای مختلف شهر جدید هشتگرد^{۲۸}، از آزمون "کروسکال - وایس"^{۲۹} استفاده گردید. این آزمون که از نوع ناپارامتری است، برای مقایسه و درک تفاوت معنادار در حالت سه نمونه مستقل و یا بیشتر و برای داده های در مقیاس رتبه ای مفید می باشد (زبردست، ۱۳۸۶ و اسپرنت و اسمیتون، ۱۳۸۶، ۲۵۹). برای فرضیه های سوم و چهارم و بررسی معنادار بودن رابطه^{۳۰} نیز از "ضریب هم بستگی اسپیرمن"^{۳۱} استفاده شد. این ضریب که از نظر محاسباتی، معادل "ضریب هم بستگی پیرسن"^{۳۲} می باشد، روشی ناپارامتری است که براساس رتبه ها بدون نیاز به فرض نرمال بودن توزیع یا داده های زیاد استفاده می شود (اسپرنت و اسمیتون، ۱۳۸۶، ۳۱۳ و مومنی، ۱۳۸۷، ۱۱۱).

۴-۱- ارزیابی فرآیند شکل گیری هویت در شهر جدید هشتگرد

۴-۱-۱- شهر جدید هشتگرد

شهر جدید هشتگرد در فاصله ۶۵ کیلومتری غرب تهران و ۲۵ کیلومتری شهر کرج و در مسیر بزرگراه تهران- قزوین قرار دارد. این شهر یکی از نخستین و در عین حال بزرگترین شهرهای جدید کشور است (با مساحت حدود ۴۵۰۰ هکتار) که طرح مکانیابی آن در سال ۱۳۶۸ و طرح جامع نخست آن در سال ۱۳۷۲ به تصویب شورای عالی شهرسازی و معماری ایران رسیده و سقف جمعیتی آن تا افق سال ۱۴۰۰، پانصد هزار نفر پیش بینی شده است. شهر جدید هشتگرد طبق سرشماری سال ۱۳۸۵ در حدود ۱۶ هزار نفر جمعیت دارد و طرح جامع جدید آن نیز به تازگی در دستور کار قرار گرفته است. مطالعات انجام شده بیانگر آن است که علاوه بر مساله جذب جمعیت شهر در رابطه با دستیابی به اهداف، مساله اشتغال نیز، وضعیت نامناسبی دارد. هم چنین در رابطه با شاخص های خدمات عمومی که مربوط به بخش عمومی می شود، مانند فضای سبز، کاربری های آموزشی و نظیر این ها، فاصله زیادی با پیش بینی های برنامه وجود دارد. این فاصله در مورد خدماتی که باید توسط بخش خصوصی تامین شود، بیشتر است (زبردست و جهانشاهلو، ۱۳۸۶، ۱۲). در حال حاضر، عملیات اجرایی و عمرانی در ۵ فاز شهر جدید هشتگرد (فازهای اول تا چهارم و فاز پنجم یا باغشهر) در حال انجام است، اما، عمدتاً فازهای یک، دو و سه، زیر ساخت و ساز رفته، توسعه یافته و دارای جمعیت است. پیرو این امر و همانطور که اشاره شد، مطالعات پژوهش، فازهای یک، دو و سه را مد نظر قرار می دهد. نقشه ۱ موقعیت فازهای ۵ گانه شهر جدید هشتگرد و نواحی مربوط به هریک را نشان می دهد.

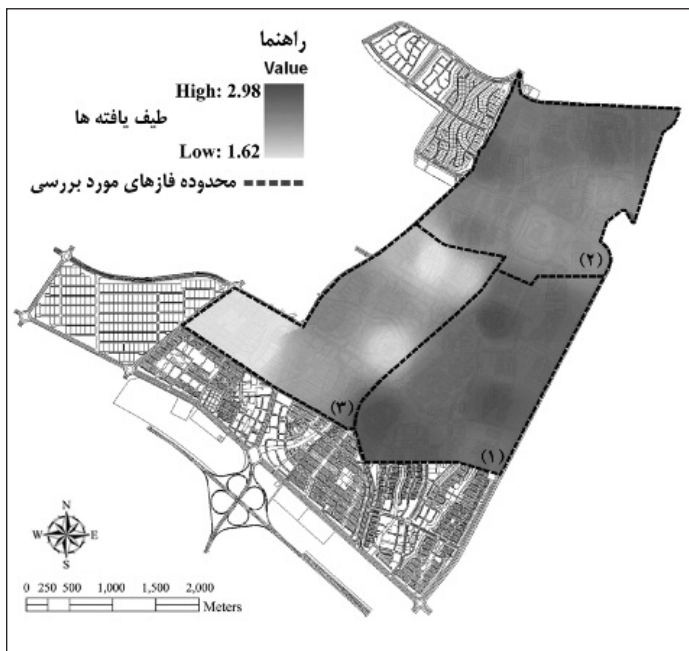
سه سوال به معیار "خاطره انگیزی" اختصاص دارد. سعی شده است تا سنجش، ارزیابی و تحلیل هویت در قالب فرآیند مذکور، از طریق جستجوی تصویر اجتماع با نزدیک شدن به رویکردی که به طور توأمان هم ادراکات تحلیل گر را مد نظر قرار می دهد و هم ادراکات ساکنان، انجام گیرد. در رویکرد مورد نظر، اجتماع و محیط با هم در نظر گرفته می شود و سنجش از تصورات ذهنی و اولویت های ساکنان (اجتماع) آغاز شده و در پی آن ویژگی ها و کیفیات محیط نیز بررسی می شود (لینچ، ۱۳۸۱، ۱۷۰-۱۶۹ و ۱۹۱).



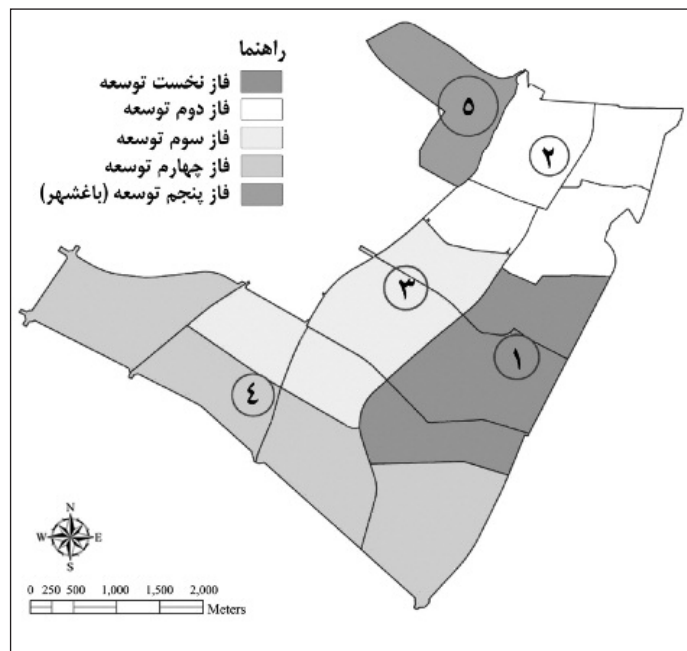
نمودار ۲- ساختار سلسله مراتبی موضوع مورد نظر. ماخذ: (پردانش های پژوهش)

در ارتباط با نمونه گیری که بر مبنای آن ۱۰۰ پرسش نامه در اوایل تیرماه سال ۱۳۸۸ تکمیل گردید، شهر جدید هشتگرد به عنوان یک جامعه آماری نامحدود در نظر گرفته شده و فرد جامعه آماری در این پژوهش، خانوارهای ساکن در شهر می باشند. با استفاده از فرمول $(N=1/d^2)$ و با در نظر گرفتن $(d=0.1)$ ، حجم نمونه (N) برابر ۱۰۰ محاسبه و میزان اعتبار این نمونه گیری ۹۰ درصد می باشد (Dickey and Watts, 1987, 67) به نقل از زبردست و جهانشاهلو، ۱۳۸۶، ۱۳). از این میزان و با توجه به اینکه اطلاعاتی در مورد واریانس و نسبت جامعه وجود ندارد و با لحاظ نمودن این مطلب که تعداد نمونه مربوط به هیچ یک از فازها (به دلیل آنکه علاوه بر تحلیل هویت در مقیاس کل شهر، مقایسه میان فازها نیز یکی از اهداف مطالعه می باشد) کمتر از ۳۰ نباشد (زبردست، ۱۳۸۶)، تعداد ۳۰ پرسش نامه به فاز سوم (به دلیل جمعیت نسبتاً کمتر در مقایسه با دو فاز دیگر) و تعداد ۲۵ پرسش نامه به هریک از فازهای اول و دوم اختصاص یافت.

در زمینه بررسی و آزمون فرضیه های پژوهش، علاوه بر بکارگیری فرآیند تحلیل سلسله مراتبی، از روش ها و آزمون های آماری و نرم افزار مناسب^{۳۷} مطابق با ماهیت موضوع که عمدتاً کیفی است، بهره گرفته شده است. هویت شهر جدید هشتگرد از طریق معیارهای اشاره شده، مورد سنجش، ارزیابی و تحلیل قرار می گیرد و از این طریق فرضیه اول پژوهش آزمون می شود. در



نقشه ۲- نتایج مربوط به سنجش هویت در سطح فازهای سه‌گانه شهر جدید هشتگرد (تلفیق چهار معیار).
 ماخذ: (یافته‌های پژوهش)

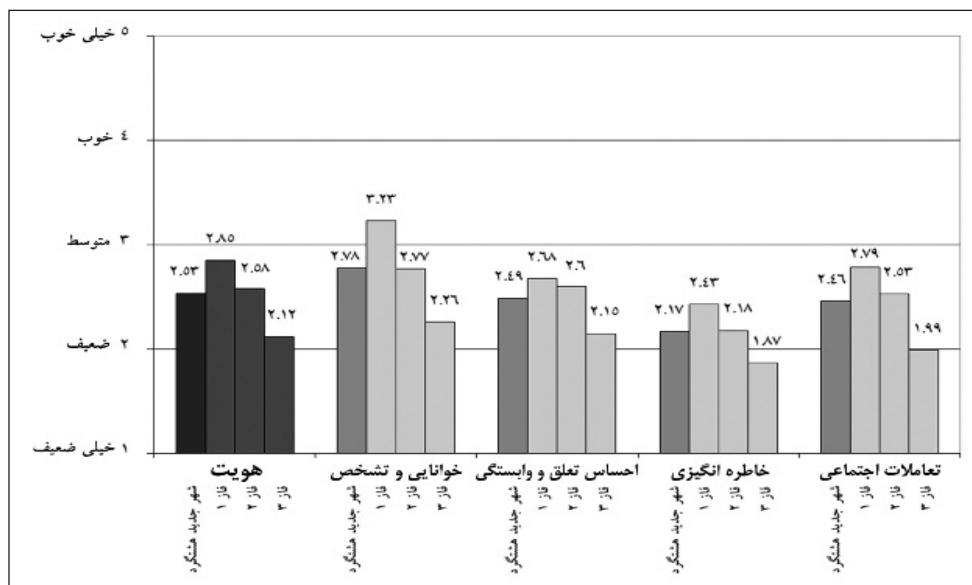


نقشه ۱- فازهای توسعه شهر جدید هشتگرد و نواحی مرتبط.
 ماخذ: (پی‌کده، ۱۳۸۶)

۴-۲- هویت شهر جدید هشتگرد

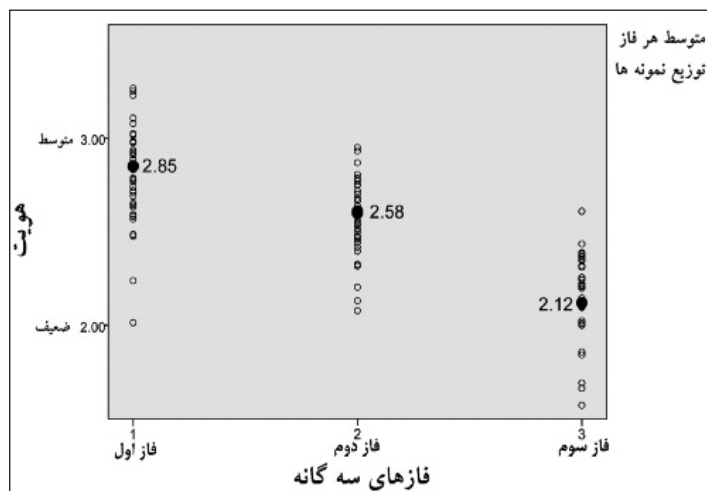
با محاسبه ضریب اهمیت هرکدام از معیارها و با توجه به مشخص بودن امتیاز آنها در ارتباط با شهر جدید هشتگرد و نیز هریک از فازها، سنجش وزن هویت در راستای ارزیابی و تحلیل این مفهوم می‌تواند انجام گیرد. نقشه ۲ نتیجه تلفیق وزن معیارهای چهارگانه (منتج از پرسش‌نامه) در فازهای اول تا سوم شهر جدید هشتگرد را بر اساس "تحلیل میان‌یابی"^{۳۲} در محیط نرم‌افزار استفاده شده^{۳۳} نمایش می‌دهد. نمودار ۳ وضعیت کلیه معیارهای مورد توجه (معیارهای چهارگانه) و نتیجه نهایی (وضعیت مجموع شهر) را در ارتباط با شکل‌گیری هویت در شهر جدید هشتگرد و نیز به تفکیک فازها نشان می‌دهد. ملاحظه می‌شود که هویت شهر جدید هشتگرد، امتیاز ۲/۵۳

را به خود اختصاص داده که با توجه به طیف مورد استفاده، حاکی از وضعیت میان‌ضعیف و متوسط است. در ارتباط با فازها نیز می‌توان بیان کرد که فاز اول با ۲/۸۵ در وضعیت نزدیک به متوسط قرار داشته و پس از آن فاز دوم با ۲/۵۸ (وضعیت میان‌ضعیف و متوسط) و هم‌چنین فاز سوم با ۲/۱۲ (وضعیت کمی بهتر از ضعیف) قرار دارد. این امر حاکی از آن است که می‌توان فرضیه ایده آل نبودن وضعیت هویت شهر جدید هشتگرد (فرضیه نخست) را مورد تأیید قرار داد. مطالعات میدانی انجام شده بر مبنای نقطه نظر ساکنان که در پرسش‌نامه‌ها انعکاس یافته است، نشان می‌دهد شهر جدید هشتگرد در زمینه عناصر یادمانی، کانونی، مانوس و کلیدی برای ساکنان خود که خوانایی و تشخیص شهر را در ذهن آنها رقم زده



نمودار ۳- وضعیت هویت شهر جدید هشتگرد و معیارهای چهارگانه مرتبط با آن.
 ماخذ: (یافته‌های پژوهش)

سوم (با ۲۰/۱۲) دارای هویت بیشتری بوده و از این نظر در وضعیت بهتری قرار دارند. نمودار ۴ نتایج مربوط به ارزیابی و سنجش وضعیت هویت شهر جدید هشتگرد را در قالب فازهای سه گانه و بر اساس کلیه نمونه ها نشان می دهد.



نمودار ۴- نتایج مربوط به ارزیابی و سنجش وضعیت هویت شهر جدید هشتگرد در قالب فازهای سه گانه بر اساس کلیه نمونه ها. ماخذ: (یافته های پژوهش)

۴-۴- بررسی رابطه میان هویت و مدت زمان سکونت

فرضیه های سوم و چهارم در ارتباط با شناسایی معیارهای دیگر و در قالب فرآیند شکل گیری هویت به ویژه در زمینه شهرهای جدید مطرح گردیدند. بررسی معناداری همبستگی میان هویت شهر جدید هشتگرد و مدت زمان سکونت از طریق ضریب همبستگی اسپیرمن، انجام می شود. ابتدا دو فرضیه صفر و جایگزین در ارتباط با وجود و عدم وجود ارتباط معنادار، تدوین می شود:

میان هویت شهر جدید و مدت زمان سکونت، رابطه

معناداری وجود ندارد. $H_0: p = 0$

میان هویت شهر جدید و مدت زمان سکونت، رابطه

معنادار مثبت وجود دارد. $H_1: p > 0$

نتایج بررسی انجام شده که حاصل ۱۰۰ نمونه مورد مطالعه است، نشان می دهد که در سطح خطای یک درصد (معادل ۹۹ درصد اطمینان)^{۲۷}، گواه قوی علیه فرضیه صفر وجود دارد. بنابراین، هویت شهر جدید و مدت زمان سکونت دارای هم بستگی معنادار با یکدیگر می باشند، این هم بستگی مثبت بوده و ضریب آن ۰/۷۳۵ است. بدین معنا، می توان گفت با افزایش مدت زمان سکونت، هویت شهر جدید نیز، ارتقاء یافته و افزایش می یابد. اما در یک بررسی مختصر و از نگاه رگرسیونی^{۲۸} به این ارتباط، که از طریق تخمین دیاگرام پراکنش و با فرض ارتباط خطی میان دو متغیر^{۲۹} انجام شده است، مشخص شد که میان متغیر وابسته هویت شهر جدید و متغیر مستقل مدت زمان سکونت، ارتباط خطی معنادار مثبت با ضریب تعیین^{۴۰} ۰/۵۰۹ وجود دارد. نمودار ۵ نیز این وضعیت (رابطه میان هویت و مدت زمان سکونت) را نشان می دهد.

و علاوه بر این، بستر شکل گیری حافظه و خاطره شهر و به دنبال آن هویت هستند، در وضعیت ضعیف قرار دارد. علاوه بر اینکه شهر از نظر قابلیت خاطره در ذهن شهروندان در وضعیت ضعیف قرار دارد، برگزاری مراسم و رویدادهایی که می تواند آن را ارتقاء دهد نیز، چندان دنبال نمی شود. به علاوه، عرصه های عمومی و فضاهای جمعی از نظر کمیت و کیفیت و به تبع آن حضور مردم، وضعیت میان ضعیف و متوسط را به خود اختصاص می دهد. در ارتباط با وابستگی و تعهد ساکنان نسبت به شهر و محیط زندگی خویش، وضعیت شهر جدید هشتگرد و به تبع آن فازهای سه گانه (وضعیت کمی بهتر از متوسط) نسبتاً بهتر از تعلق (وضعیت میان ضعیف و متوسط) می باشد که اختصاص به سطحی بالاتر از وابستگی داشته و حاکی از ریشه دار شدن فرد در شهر است. رضایت مندی کلی از سکونت، در وضعیت نزدیک به متوسط قرار داشته و این موضوع در ارتباط با دسترسی به خدمات و پاسخگویی به نیازهای ساکنان، در وضعیت میان ضعیف و متوسط می باشد. رضایت مندی از منظر آسایش و امنیت محل زندگی و نیز رضایت از نظر تمایل به ماندگاری، و هم چنین توصیه به دیگران برای سکونت نیز در وضعیت متوسط است. این شرایط در حالی است که تعامل ساکنان با مسئولان و متولیان شهر ضعیف است. میزان تکامل شهر و روند آن از نظر ساکنان نیز ضعیف بوده، به طوری که اغلب آنها موافق و هم سو با قضاوت مبنی بر خوابگاهی بودن شرایط شهر از نظر سکونت و عوامل مرتبط با آن هستند. این ابعاد، فرآیند شکل گیری هویت در شهر جدید را تحت تاثیر قرار داده و وضعیت کنونی (شرایط میان ضعیف و متوسط شهر از نظر هویت) را پدید آورده اند. بر این اساس، توجه به آنها و حرکت در سایه تعدیل و بهبود شرایط، می تواند راهکارهایی را برای هویت بخشی ترسیم نماید و در گذر زمان، بستر مناسب تری را برای فرآیند شکل گیری هویت، نوید داده، مهیا و فراهم سازد.

۴-۳- مقایسه میان وضعیت فازهای سه گانه

برای بررسی وجود یا عدم وجود تفاوت معنادار میان هویت فازهای سه گانه، از آزمون کروسکال - والیس استفاده می شود. بدین منظور، ابتدا فرضیه های زیر به عنوان فرضیه صفر و جایگزین تدوین می شود:

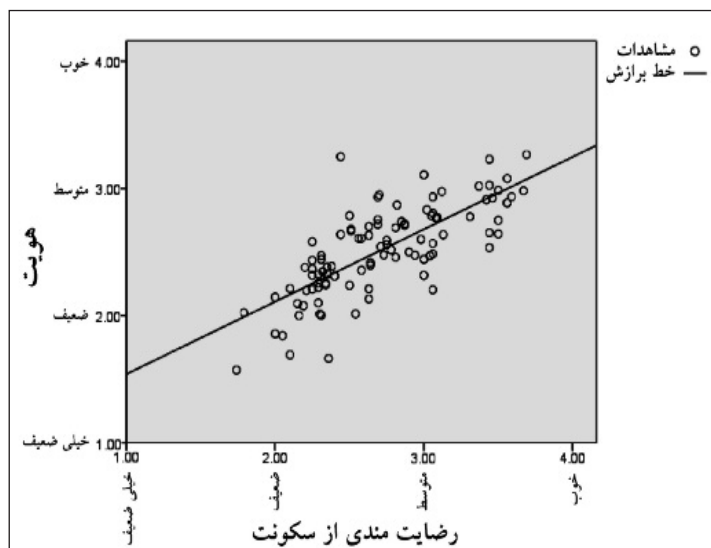
میان هویت فازهای سه گانه شهر جدید هشتگرد،

تفاوت معنادار وجود ندارد. H_0

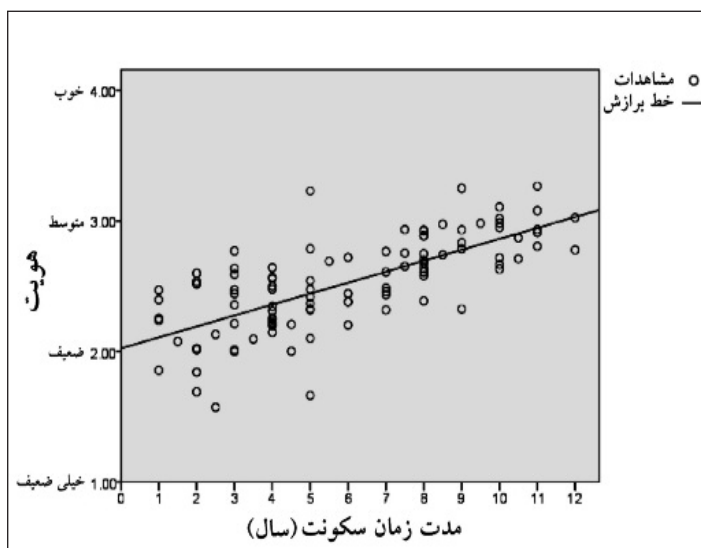
میان هویت فازهای سه گانه شهر جدید هشتگرد،

تفاوت معنادار وجود دارد. $H_1: p > 0$

نتایج بررسی که از مقایسه میان ۳۵ نمونه فاز اول، ۳۵ نمونه فاز دوم و ۳۰ نمونه فاز سوم حاصل شده است، نشان می دهد، فرضیه صفر رد شده و بنابراین فرضیه جایگزین مبنی بر وجود تفاوت معنادار میان هویت فازهای سه گانه شهر جدید هشتگرد، مورد تایید است. میانگین رتبه ها نیز مبین آن است که فاز اول (با ۷۴/۴۳) نسبت به فاز دوم (با ۵۲/۶۱) و این دو نسبت به فاز



نمودار ۶- پراکنش و خط برازش مربوط به رابطه معنادار مثبت میان هویت شهر جدید هشتگرد و رضایت مندی از سکونت.
ماخذ: (یافته‌های پژوهش)



نمودار ۵- پراکنش و خط برازش مربوط به رابطه معنادار مثبت میان هویت شهر جدید هشتگرد و مدت زمان سکونت.
ماخذ: (یافته‌های پژوهش)

اطمینان)، فرضیه صفر رد شده و فرضیه جایگزین پذیرفته می‌شود. بنابراین، هویت شهر جدید و رضایت مندی از سکونت، دارای همبستگی معنادار مثبت با یکدیگر می‌باشند و ضریب این همبستگی ۰/۷۷۲ است. بدین ترتیب، می‌توان گفت، با افزایش رضایت مندی از سکونت، هویت شهر جدید نیز ارتقاء خواهد یافت. در نگاه بررسی اجمالی این ارتباط به صورت رگرسیون، از طریق تخمین دیانگرام پراکنش با فرض وجود ارتباط خطی میان دو متغیر، مشخص شد که میان متغیر وابسته هویت شهر جدید هشتگرد و متغیر مستقل رضایت مندی از سکونت، ارتباط خطی معنادار مثبت با ضریب تعیین ۰/۵۶۹ وجود دارد. نمودار ۶ بیانگر چگونگی این وضعیت (رابطه میان هویت و رضایت مندی از سکونت) می‌باشد.

۵-۴- بررسی رابطه میان هویت و رضایت مندی از سکونت

معناداری هم بستگی میان هویت شهر جدید هشتگرد و رضایت مندی از سکونت نیز از طریق ضریب هم بستگی اسپیرمن بررسی شده است. به همین منظور دو فرضیه صفر و جایگزین در زمینه عدم وجود و وجود ارتباط معنادار تدوین شده است:

میان هویت شهر جدید و رضایت مندی از سکونت،

رابطه معناداری وجود ندارد. $H_0: p = 0$

میان هویت شهر جدید و رضایت مندی از سکونت،

رابطه معنادار مثبت وجود دارد. $H_1: p > 0$

نتایج بررسی انجام شده که حاصل ۱۰۰ نمونه مورد مطالعه است، نشان می‌دهد، در سطح خطای یک درصد (معادل ۹۹ درصد

نتیجه

شناسایی شده، مورد توجه قرار گیرند. هویت شهر جدید هشتگرد که از آغاز ساخت و ساز و اسکان در آن بیش از ۱۵ سال می‌گذرد، در وضعیت میان ضعیف و متوسط قرار دارد. فاز اول از این نظر (با وضعیت نزدیک به متوسط) دارای شرایط بهتری نسبت به فاز دوم (با وضعیت میان ضعیف و متوسط) بوده و این دو از این حیث در فاصله ای بیشتر نسبت به فاز سوم (با وضعیت کمی بهتر از ضعیف) قرار دارند. دلیل این امر، وضعیت متفاوت معیارهای چهارگانه مورد توجه (خوانایی و تشخیص، احساس تعلق و وابستگی، خاطره انگیزی و تعاملات اجتماعی) برای ارزیابی و سنجش فرآیند شکل‌گیری هویت در فازهای سه گانه است که در فاز اول بستر مناسب تری را برای فرآیند مذکور نسبت به فاز دوم و این دو (با فاصله ای بیشتر) نسبت

هدف اصلی این تحقیق، شناسایی و ارزیابی فرآیند شکل‌گیری هویت در شهرهای جدید بوده است. فرآیند شکل‌گیری هویت شهر و به تبع آن شهر جدید، در قالب تعامل مداوم محیط و اجتماع در گذر زمان پی ریزی شده و قابل شناسایی است. نتایج پژوهش نشان دهنده آن است که با افزایش مدت زمان سکونت در شهر جدید هشتگرد، هویت ارتقاء می‌یابد. این در حالی است که با افزایش میزان رضایت مندی از سکونت نیز هویت افزایش یافته و از نظر ساکنان وضعیت مناسب تری را به خود اختصاص می‌دهد. بنابراین، مدت زمان سکونت و رضایت مندی از سکونت می‌توانند به عنوان دو معیار و بعد کلیدی و ویژه در ارتباط با فرآیند شکل‌گیری هویت در شهرهای جدید علاوه بر سایر ابعاد

به فاز سوم فراهم ساخته اند.

با توجه به اثبات معنادار بودن روابط (مثبت) میان مدت زمان سکونت و نیز رضایت مندی از سکونت با هویت، می توان در این زمینه (وضعیت هویت فازهای سه گانه و نیز مجموع شهر)، شرایط متفاوت این دو معیار را نیز موثر دانست و بر ابعاد یاد شده افزود. ساکنان فاز اول شهر جدید هشتگرد مدت زمان بیشتری سکونت داشته و از احساس رضایت مندی بالاتری نیز برخوردار می باشند. از طرف دیگر، مطابق با وجود همین تفاوت میان وضعیت هویت فازهای اول، دوم و سوم، هویت شهر جدید هشتگرد به نوعی و به طور نسبی در حال شکل گیری است. شکل گیری هویت، نیازمند زمان و فرصت (به عنوان بعدی کلیدی و شناسایی شده که دارای ارتباط معنادار با هویت است) بوده و این مفهوم، قابل تزیق به شهر جدید نیست، اما می توان زمینه و بستر لازم را برای آن فراهم ساخت. در این زمینه، تدوین برنامه ای راهبردی که از طریق آن، چشم اندازی هم گام و روشن در ارتباط با ابعاد خوانایی و تشخیص، تعاملات اجتماعی، خاطره انگیزی، احساس تعلق و وابستگی و هم چنین رضایت مندی از سکونت، قابل تحقق است، ضروری می باشد. ایجاد نقاط مرکزی و کانونی، نمادها و نشانه‌ها و فضاهای جمعی و زنده که علاوه بر ارتقاء خوانایی و تشخیص شهر جدید، بستر شکل گیری تعاملات اجتماعی بوده، خاطره انگیز شدن شهر را از طریق تبلور واقعه، حافظه و خاطره به دنبال دارد و در نهایت منجر به پدید آمدن و ارتقاء احساس وابستگی و تعلق خواهد شد، بخشی اساسی از این برنامه است.

مطالعات مربوط به شهر جدید هشتگرد حاکی از وجود چالش‌هایی است که فرآیند شکل گیری هویت را با مشکل مواجه ساخته و به تاخیر انداخته است. بنابراین، علاوه بر راهکارهای کلان فوق، راهکارهای دیگر، می تواند در گرو توجه، تعدیل و رفع این مسائل

باشد تا در پیوند با راهکارهای فوق الذکر، بستر و پتانسیل مناسبتری را در گذر زمان برای فرآیند شکل گیری هویت فراهم ساخته و امید دهد. این مسائل در سه بعد کلی ذیل می باشند:

- توسعه مفصل و غیر منسجم شهر، که بدون برنامه و چشم اندازی روشن و با تاکید عمده بر بخش مسکن اتفاق افتاده است. این مساله از هم گسیختگی و به دنبال آن عدم انسجام سازمان فضایی شهر و عدم استقرار فعالیت های شهری (به جز مواردی اندک که در فاز اول متمرکز شده اند) را پدید آورده است.
- عدم شکل گیری شهر، بافت شهری و کند بودن این روند به نحوی که تکامل محیط شهر برای ساکنان، در گذر زمان محسوس نبوده و تصویری مبهم را در ذهن ساکنان برجای گذاشته است. شرایط کنونی حاکی از آن است که مجموعاً ۲۷ درصد از مساحت فازهای سه گانه توسعه یافته است. این در حالی است که از این میزان ۵۶ درصد را معابر، ۲۷ درصد را مسکن و تنها ۱۷ درصد را سایر کاربری ها به خود اختصاص داده اند. این موضوع بیانگر عدم توجه به سایر کاربری های مورد نیاز و شکل گیری آنها، هم گام و متناسب با آماده سازی اراضی شهر است.
- عدم وجود عناصر یادمانی و کانونی، عرصه های عمومی و جمعی و فضاهای سبز کافی در سطح شهر به نحوی که اندک موارد احداث شده موجود نیز تنها در فاز اول استقرار یافته و متمرکز شده اند. این در حالی است که شهر از نظر دسترسی ساکنان به خدمات و رفع نیازهای آنها در وضعیت ضعیف قرار دارد. بر این مبنا، ساکنان، شرایط شهر را از نظر سکونت و عوامل مرتبط با آن نامناسب دانسته و تصویری خوابگاهی از آن در ذهن داشته و اظهار می کنند.

پی نوشت‌ها:

- ۱ Perceptual
- ۲ Associational
- ۳ راپاپورت در این زمینه معتقد است، طراحان عمدتاً تمایل به نشان دادن عکس العمل نسبت به محیط در قالب ادراک داشته و در مقابل عامه مردم آن را در تداعی ها دنبال می کنند (Rapoport, 1990).
- ۴ Identity
- ۵ Identity
- ۶ Personification or Distinction
- ۷ Meaning
- ۸ Sense of Place
- ۹ Belonging to Place
- ۱۰ Rootedness
- ۱۱ معادل واژه "ایدنیتاس" (Identitas) (تشکیل شده از دو بخش "Idea" به معنای "همان" و "Entitas" به معنای "وجود") در سایر زبان های اروپایی (دانشپور، ۱۳۷۹).

.Identification	۱۲
.Object	۱۳
.Subject	۱۴
.Reflexive Awareness	۱۵
.Place Phenomenology	۱۶
.J. Kulberg	۱۷
.European New Towns Platform (ENTP)	۱۸
.Legibility and Personification	۱۹
.Social Interaction	۲۰
.Memory	۲۱
.Belonging to Place	۲۲
.Analytic Hierarchy Process (AHP)	۲۳
.Time of Habitation (Year)	۲۴
.Satisfaction from Habitation	۲۵
.Likert-Type Scale	۲۶
.Statistical Package for Social Science (SPSS)	۲۷
این بخش از طریق مقایسه داده‌های مربوطه به تفکیک هریک از فازها دنبال می‌شود.	۲۸
.Kruskal - Wallis Test	۲۹
این دو بخش از طریق بررسی کل داده‌های مربوطه در مقیاس شهر، دنبال می‌شود.	۳۰
.Spearman Correlation Coefficient	۳۱
.Pearson Correlation Coefficient	۳۲
.Interpolate Analysis	۳۳
.Arc Map	۳۴
با توجه به نوع فرض، فرضیه جایگزین بدون هیچ‌گونه جانبداری و تنها برای وجود تفاوت، مورد توجه قرار می‌گیرد.	۳۵
با توجه به نوع فرض، فرضیه جانشین (H_1) به صورت یک طرفه (one-tailed) در نظر گرفته شده است.	۳۶
.0.01 Level	۳۷
.Regression	۳۸
لازم به ذکر است که چه در ارتباط با این رابطه و چه رابطه میان هویت شهر جدید و رضایت مندی از سکونت، بررسی روابط غیر خطی نیز با ضریب تعیینی معادل و نزدیک به ارتباط خطی همراه بود.	۳۹
.R Square	۴۰
در این زمینه نیز، فرضیه جانشین (H_1) به صورت یک طرفه (one-tailed)، در نظر گرفته شده است.	۴۱

فهرست منابع:

- اسپرنت، پی. و اسمیتون، آن. سی. (۱۳۸۶)، روش‌های آماری ناپارامتری کاربردی، ترجمه حسینعلی نیرومند، انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد.
- الکساندر، کریستوفر (۱۳۸۶)، معماری و راز جاودانگی؛ راه‌بی‌زمان ساختن، ترجمه مهرداد قیومی بیدهندی، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، تهران.
- پاکزاد، جهان‌شاه (۱۳۷۵)، هویت و این‌همانی با فضا، نشریه‌ی صفا، انتشارات دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه شهید بهشتی، شماره‌های ۲۱ و ۲۲، صفحات ۱۰۷-۱۰۰.
- چپ‌من، دیوید (۱۳۸۴)، آفرینش محلات و مکان‌ها در محیط انسان‌ساخت، ترجمه شهرزاد فریادی و منوچهر طبیبیان، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.
- حبیبی، سید محسن (۱۳۸۵)، شهر جدید آستانه‌ای برای تکوین خاطره و حافظه شهری، مجموعه مقالات همایش بین‌المللی شهرهای جدید، جلد دوم، انتشارات شرکت عمران شهرهای جدید، صفحات ۱۵۱-۱۴۵.
- دانشپور، سید عبدالهادی (۱۳۷۹)، بازشناسی مفهوم هویت در فضاهای عمومی شهری (خیابان)؛ نمونه موردی: تهران، خیابان انقلاب، رساله دکتری رشته شهرسازی، استاد راهنما: ایرج اعتصام، دانشکده شهرسازی پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران.
- رئیس‌دانا، فریبرز (۱۳۷۱)، رابطه انسان - شهر (در بررسی شهر جدید پولادشهر)، مجموعه مقالات تو معماری را ترسیم می‌کنی ولی من آن را می‌سازم، مرکز نشر سمر.
- زبردست، اسفندیار (۱۳۸۶)، آمار و روش‌های کمی، جزوه درسی مقطع کارشناسی ارشد برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای، دانشکده شهرسازی پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران.
- زبردست، اسفندیار و جهان‌شاهلو، لعل (۱۳۸۶)، بررسی عملکرد شهر جدید هشتگرد در جذب سرریز جمعیت، نشریه جغرافیا و توسعه، شماره ۱۰، صفحات ۲۲-۵.

- فلاح، محمد صادق (۱۳۸۵)، مفهوم حس مکان و عوامل شکل دهنده آن، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۲۶، صفحات ۶۶-۵۷.
- کولبرگ، یوکا (۱۳۸۵)، هشت چالش عمده برای بازسازی شهری در شهرهای اروپا، مجموعه مقالات همایش بین المللی شهرهای جدید، جلد دوم، انتشارات شرکت عمران شهرهای جدید، صفحات ۳۹۷-۳۹۳.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۷۸)، تجدد و تشخیص، ترجمه ناصر موفقیان، نشر نی، تهران.
- لینچ، کوین (۱۳۸۱)، تئوری شکل شهر، ترجمه سید حسین بحرینی، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.
- معین، محمد (۱۳۷۱)، فرهنگ شش جلدی فارسی معین، جلد چهارم، انتشارات امیرکبیر، تهران.
- موسسه شهرهای جدید اروپایی (ENTP) (۱۳۸۲)، گزارش سمینار شهرهای جدید در زمان بلوغ: چالش هم بستگی، ترجمه حسن چیذری، کتاب شهرهای جدید، جلد اول، انتشارات شرکت عمران شهرهای جدید، صفحات ۷۶-۴۷.
- مومنی، منصور (۱۳۸۷)، تحلیل های آماری با استفاده از SPSS، انتشارات کتاب نو، تهران.
- مهندسین مشاور پی کده (۱۳۸۶)، بازنگری طرح جامع شهر جدید هشتگرد، شرکت عمران شهرهای جدید، تهران.
- میشل، ژاک و وارنیه، برتران (۱۳۸۳)، از طرح ریزی منطقه ای تا طراحی بلوک های منفرد، ترجمه محمد تقی زاده مطلق و رضا کربلایی نوری، کتاب شهرهای جدید، جلد سوم، انتشارات شرکت عمران شهرهای جدید، صفحات ۸۰-۹.
- نوری کرمانی، علی (۱۳۷۴)، تحلیل کارکردی شهرهای جدید در ایران، نشریه سپهر، شماره ۱۴، صفحات ۵۲-۴۸.

Dickey, John W. and Watts, Thomas M. (1978), *Analytic Techniques in Urban and Regional Planning*, McGraw-Hill.

Hornby, A. S. (1995), *Oxford Advanced Learner's Dictionary of Current English*, Oxford University Press, Oxford.

Rapoport, Amos (1990), *The Meaning of the Built Environment: A Nonverbal Communication Approach*, University of Arizona Press, Tucson.

Relph, E. (1976), *Place and Placelessness*, Pion, London.